



# لباس ایران

در قرن ۱۰ و ۱۱ هجری

(۱۶ و ۱۷ میلادی)

نوشته

خانم جینی هازگو

ترجمه

خانم منصوره نظام‌مافی (اتحادیه)



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی

تألیف : خانم جینی ہازگو  
ترجمہ : خانم منصورہ نظام مافی (اتحادیہ)

## لباس ایرانیان

در قرن ( ۱۶ و ۱۷ میلادی )<sup>۱</sup>

« لباس در مشرق زمین تابع مدنیست و همیشه از یک سبک معینی پیروی میکند . معروف است کہ ملتی را عاقل میتوان دانست کہ از مد پیروی نکند ، در اینصورت ایرانیان را باید تمجید کرد چون هیچ وقت سبک لباس پوشیدن خود را تغییر نمیدهند ، حتی رنگ و طرح پارچه ها نیز دگرگون نمیشود . من در خزانه اصفهان لباسهای را کہ تیمور لنگ پوشیده بود دیدم . برش آنها با آنچه امروز متداول است هیچ فرقی نکرده است . »<sup>۲</sup>

لباسهای تیمور لنگ را کہ «سرجان شاردن» در نیمه قرن هفدهم دیده بود متأسفانه مدتها است کہ از بین رفته و هیچ نمونه‌ئی از

۱- در متن اصلی مقاله کلیه سنوات با تاریخ میلادی داده شده و تطبیق آنها با تاریخ (هجری قمری از مترجم است.)

2 - Sir John Chardin. Travls in Persia II, Chater XIII. Translated from the Freneh. London, 1720 .

لباسهای آن دوران باقی نمانده است ولی مقایسه سه مینیاتور (تصاویر شماره ۱ و ۲ و ۳) نشان میدهد که از زمان تیمورلنگ تا سه قرن بعد که «شاردن» به ایران سفر کرده بود، یعنی از (۷۹۹ تا ۱۰۱۳ هجری) (۱۳۹۶ تا ۱۶۰۴ میلادی) لباس ایرانیان تغییر مهمی نکرده بود.

هرچند که این مقاله مربوط به لباس در دوران سلطنت صفویه است (۱۵۰۲ تا ۱۷۲۲ میلادی) ولی در یکی از این تصاویر (تصویر شماره ۱) که مربوط به سال (۷۹۹ ه.ق) (۱۳۹۶ م.ق) است دوام عقاید و رسوم ایرانیان بخوبی مشاهده میشود، بخصوص اگر آنها را با لباسهای اروپائیان در همین زمان مقایسه کنیم ولی البته این نشانه بی‌علاقگی به لباس نبوده است.

در گذشته اگر شخصی مورد علاقه یا تفقدشاه قرار میگرفت خلعت که عبارت بود از لباسی فاخر برای او فرستاده میشد و اگر کسی يك دست لباس سیاه دریافت میکرد علامت این بود که روزهای زندگی او پایان رسیده است.<sup>۳</sup>

در آن زمان، جامه زنان و مردان عبارت بود از يك پیراهن بلند با آستین‌های دراز که اغلب جلوی سینه آن باز بود و لباسهای زیر آنها دیده میشد. ایرانیان متمکن گاه چندین دست پیراهن فاخر بر روی همدیگر میپوشیدند و کمر بندی از پارچه یا چرم گوهر نشان بدور کمر می‌بستند. بر روی این پیراهن، نیم‌تنه‌یی نیز می‌پوشیدند که تازانو و یا قدری بلندتر بود و آستین‌های کوتاه یا بلند داشت. (به تصویر شماره ۳ رجوع شود). مردها در اوایل قرن شانزدهم میلادی

۳- این قول سند موثقی ندارد. مترجم.

بجای کلاه عمامه بسر میگذارند و فقط مستخدمان کلاه بسر داشتند. (تصویر شماره ۲) از سال (۹۱۸ - ۹۶۸ هـ) (۱۵۱۲ تا ۱۵۶۰ میلادی) عمامه را بدوریک تکه چوب نسبتاً بلندی میبستند (تصویر شماره ۲) این عمامه‌ها اغلب از پارچه‌های سفید بود که بانخهای رنگارنگ یا پلائی گلابتون دوزی شده بود. در اواخر این قرن این چوب کوتاه‌تر و پهن‌تر شد تا اینکه در اوایل قرن (۱۱ هجری) (۱۷ م) عمامه بکلی آنرا پوشاند.

اغلب مردان موی سر خود را میتراشیدند ولی بعضی یک دسته نتراشیده بالای سر خود باقی میگذارند تا روز قیامت پیغمبر اسلام آنها را از مسیحیان تشخیص بدهد و از موهایشان گرفته آنها را به بهشت ببرد.

مردان و زنان خاندان سلطنت تاج بسر میگذارند. سایر زنان یک روسری کوتاه یا یک دستمال روی کلاهکی میبستند و اغلب یک رشته مروارید هم زیر گلو بر آن می‌آویختند. (تصویر شماره ۲) روسری‌ها را گاه آهار میزدند بطوریکه از عقب قدری بالا می‌ایستاد و از دو طرف روی گوشها را می‌پوشاند. در اواسط این قرن روسری بشکل مثلث درآمد و گاه دو طرف آنرا زیر گلو جمع میکردند و گوشه سومی را که بلندتر بود مانند یک نوار از عقب به دور کمر می‌بستند. (تصویر شماره ۳) در این تصویر دو نفر از خانمها دامنهای خود را جمع کرده‌اند بطوریکه زیر پیراهن کوتاه و شلوار آنها دیده میشود. اغلب لباسها از ابریشم بود ولی لباس ابریشمین جزو تجمل محسوب نمیشد و اگر بگفته‌ا اروج بیگ که بنام «دون ژوان ایران» معروف است، اعتماد کنیم در آن زمان مخمل بسیار ارزان بوده

بطوریکه قیمت يك ونیم واحد آن کمتر از ۱۰ ریال بوده و تافته نصف این قیمت را داشته است.<sup>۴</sup>

تنها تفاوت قابل توجهی که بین نجبا و مردم عادی وجود داشت پوشش سر بود ولی بدون شك مردم عادی استطاعت خریدن پارچه های فاخری را که «توماس هربرت» شرح میدهد داشته اند. او مینویسد: «پیراهن ونیم تنه ها از چلووارپنبه دوزی شده است. گاه این نیم تنه ها از ابریشم رنگارنگ و یا اطلس و یا زری و یا از پارچه های پولک دوزی شده تمپیه میشود. برای آنها تنوع رنگ یک از علائم خوشی و یکی از لذائذ محسوب میشود.»<sup>۵</sup>

عشق ایرانیان بر رنگ و طرح لباسهایشان بعد کمال بود و برای لباس از همه رنگ بجز رنگ سیاه، چون سیاه رنگ شیطان بود، استفاده میکردند و اغلب بافت پارچه ها را با اضافه کردن نخهای طلا و نقره فاخرتر مینمودند.

نقوشی که از همه متداولتر بود بته جقه های گلدار، نقوش تصویری راه راه، نقوش پرنده، حیوان، گل و انسان بود. شاردن مینویسد: «جالبترین منظره در شوارع عمومی مشاهده لباسهای رنگارنگ مردم است که بسیار مطبوع و پسندیدنی است.»<sup>۶</sup>

هنگامیکه زنهای از خانه خارج میشدند سر تا پای خود را

۴- Don Juan of Persia, a Shiah Catholic, 1560-1604, P. 49. Translated and edited by G. Le Strange. 1926.

۵- Thomas Herbert, A Relation of some Yeares Travaile, begunne Anno 1626-1634, p. 146

۶- Chardin p. 184 .

می پوشانند « زنان خود را در يك چادر بزرگ که در بالای سر بسته میشود و تا روی زمین میرسد، میپوشانند و فقط يك روزنه کوچک برای دیدن باز میگذارند و بدون اینکه شناخته شوند و یا کسی به آنها توجهی نماید میگذرند. ۷ »

در تصویر شماره ۴ این پوشش شبیه به چادر هائی است که هنوز در بعضی نقاط ایران متداول است. در سال (۱۰۰۷ هـ) (۱۵۹۸ م) شاه عباس پایتخت خود را از قزوین به اصفهان منتقل کرد و تجمل و ولخرجی در بار جدید سلیقه و مد را تحت تأثیر قرارداد. به مرور، نقاشان سعی کردند که بجای تذهیب کتب، افراد یا گروههای کوچک را ترسیم کنند و چنانکه از این تصاویر بنظر میآید حالتها و حرکات زنانه تر، ملایمتر، شهوانی تر و هیکلها چاق تر گشته است. (تصویر شماره ۶ و ۷) در این زمان لباس مردم تغییر نکرد بلکه طرز پوشیدن آن دگرگون شد و علاقه مردم به تجمل بیشتر، باعث گردید که از پارچه های فاخرتر استفاده شود. مردها در تابستان يك جلیقه بدون آستین و در زمستان نیم تنه بلندتری می پوشیدند. فقط بعضی مأموران دولت در طول سال نیم تنه بتن میکردند.

در تصویر ۶ شخصی که در سمت چپ نشسته يك چنین جلیقه ای بتن دارد و در تصویر ۵ میتوان دید که جلیقه ها از مخمل میباشند. پیراهن که لباس دائمی و مرسوم ایرانیان بود از بین نرفت و مردانی که در تصویر ۶ دیده میشوند هر دو چنین پیراهنهائی بتن دارند ولی زیبایی ساده آن بتوسط يك کمربند پهن و شالی که بدور شانه انداخته اند کمی تغییر کرده است. اندازه عمامه از حد اعتدال

خارج شد. آنرا بطور آزادی بدور سر می بستند که اغلب بتوسط يك نوار ابریشمین زیبا و گلدوزی شده بدو قسمت میشد. (تصویر ۶) آستر عمامه از يك پارچه ضخیم و سفید و خود عمامه از پارچه های ابریشمین بسیار فاخر که اغلب گلابتون دوزی شده بود تهیه میشد. انتهای آنرا ۱۰ الی ۱۲ سانتیمتر گلدوزی میکردند که بالای عمامه مانند پر می ایستاد. زیر عمامه يك شب کلاه چرمی یا پارچه ای قرار میدادند و درون آنرا با پنبه پر میکردند. گاهی کلاهپاتی بشکل کشتی که دور آن پوست دوزی شده بود بسر میگذازدند. (تصویر شماره ۵) زلفهای اطراف صورت را نمی تراشیدند و حلقه حلقه روی گوشها میریختند (تصویر ۶). بعضی افراد از جمله شاه عباس سبیلهای آویزان داشتند و تصور میشد که اگر سبیل روبه بالا باشد جنبه گستاخی علیه پروردگار خواهد داشت. سر بدون پوشش شرم آور بود چنانچه در تصویر ۶ مشاهده میکنیم که مرد با نگاه متعجب معشوقه اش را که عمامه وی را روی سر خود قرار داده مینگرد. یکی از کارهای غریب شاه عباس که باعث تعجب همه میشد این بود که گاه در مراسم رسمی عمامه خود را از سر برمیداشت. شاردن به سنگینی وزن این عمامه ها اشاره کرده میگوید که گاه در حدود ۶ کیلو وزن و ۱۵۰۰ لیبره قیمت داشتند. پیروی از مد ارزان تمام نمیشد و ممکن بود که يك نیم تنه خز سه هزار لیبره قیمت داشته باشد. شاردن دلیل فقر ایران را عشق ایرانیان به تجمل میدانست. در طول این قرون در لباس زنان تغییر مهمی پیدا نشد فقط بمرور لباسها کمی کوتاهتر گردید بطوریکه پاها نمایان شدند. گاهی لباسشان تا کمر باز بود و پیراهن زیر دیده میشد، (تصویر شماره ۶)



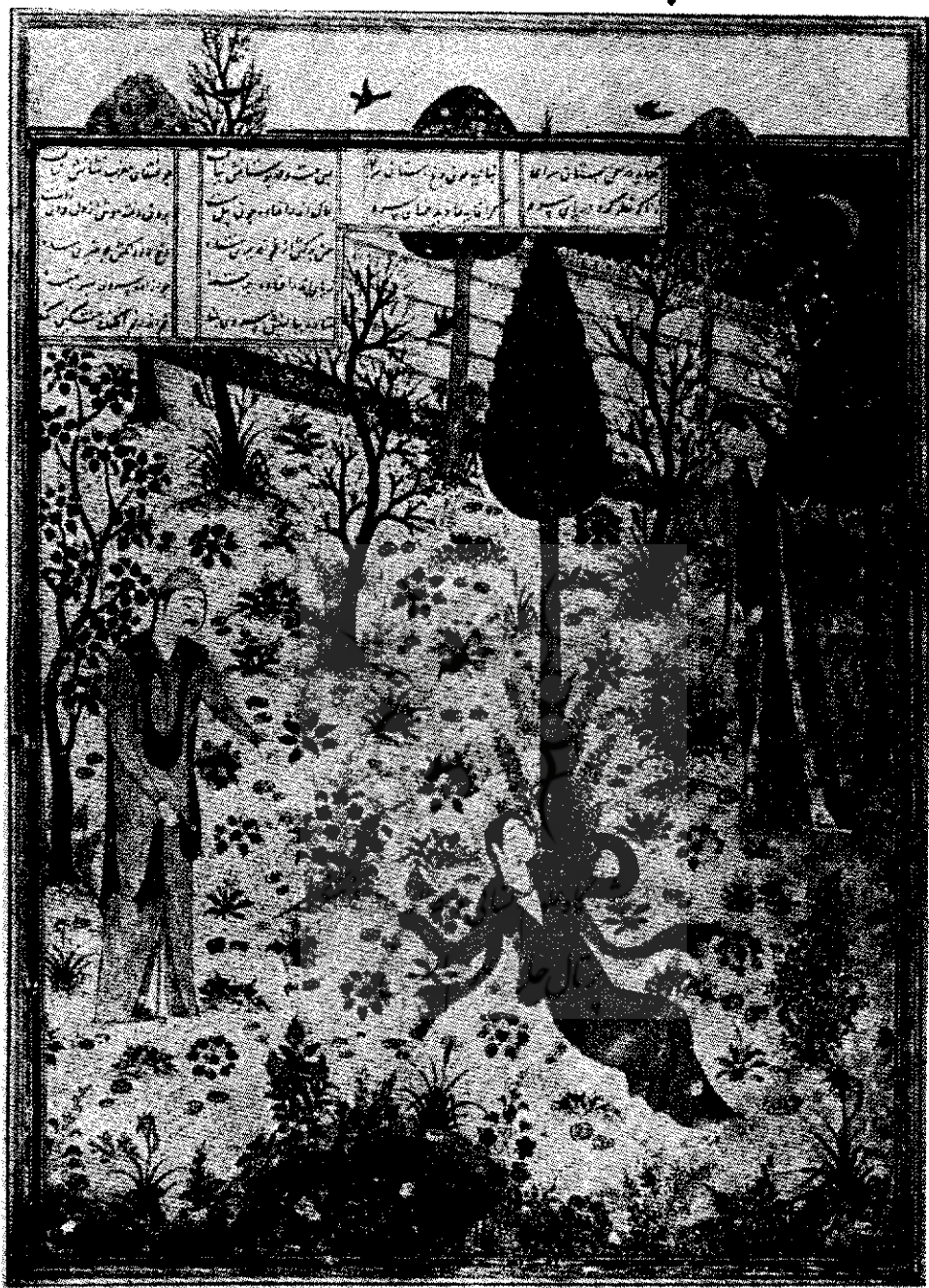
یا بوسیله حلقه‌ای بسته میشد (تصویر شماره ۷) آنچه دیگرگون شد پوشش سر بود که استادانه‌تر و پرکارتر گشت، سر بند یا زوسری که بدور سر بسته میشد يك چادر بلندی را از عقب نگه میداشت که گاهی گردن و شانه‌ها را میپوشاند. در خانه، این چادر را کنار میگذارند و گیسوان را آزادانه بدور سر میریختند، چون گیسوان سیاه مقبول بود اغلب آنرا با رنگ، سیاه میکردند و از دور صورت بعقب میبردند و می‌بافتند و یا آزاد میگذارند و اگر بلند نبود رشته‌های ابریشم به‌لابلای آن اضافه میکردند. زلفها را حلقه حلقه در دو طرف صورت میریختند. (تصویر شماره ۷) دوشیزگان کلاههای کوچک بسر میگذارند ولی خارج از خانه همه بدن را با پوشش سفید کفن مانندی می‌پوشاندند. (تصویر شماره ۷) «و گاهی يك روبنده توری بطرفین سر بسته صورت را با آن میپوشاندند. <sup>۸</sup>»

زنان بلباس زیر خود بسیار توجه داشتند. در تصویر ۷ شلوار راهراهی که در تصویر ۳ مشاهده میشود با جزئیات بیشتر دیده میشود. در (اواخر قرن ۱۲ هجری) (اواخر قرن هفدهم) اینگونه شلوار با جلیقه کوتاهی که تا کمر میرسید متداول گشت و گاهی مردها نیز از آن استفاده میکردند. بدون شك این تغییر مربوط به نفوذ اروپائیان بود چون از اوایل قرن (۱۰ هجری) روابط بین اروپا و ایران بخاطر تجارت کم‌کم افزایش یافت و این ارتباط در طرز لباس پوشیدن ایرانیان مؤثر واقع گشت و بتدریج زیبایی و ظرافت لباسهای مرسوم از بین رفت و در ضمن پارچه‌ها ضخیم‌تر

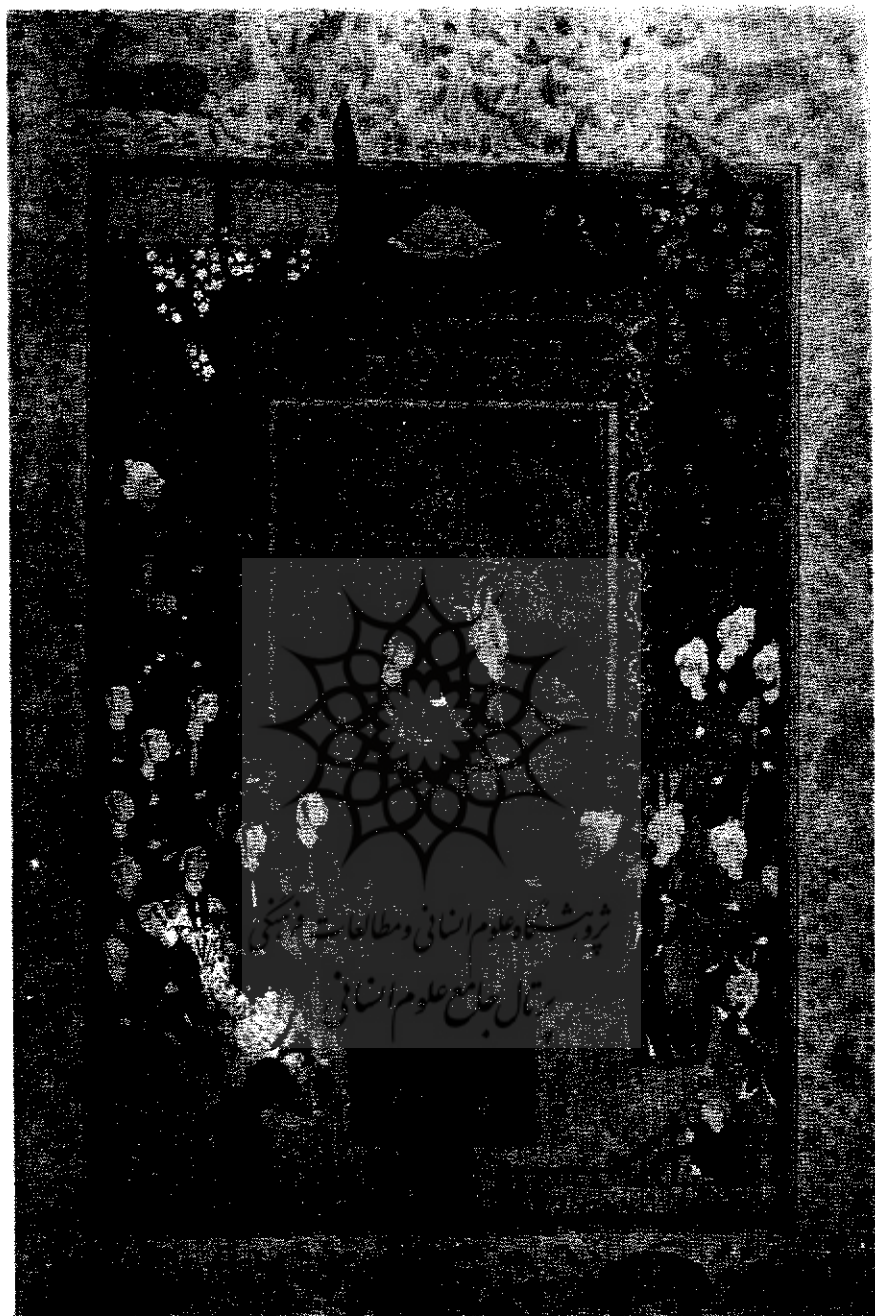
۸- Pietro's Pilgrimage, p. 146 .

گشت و بجای طلا و نقره از فلزات پست تر استفاده کردند و رنگها زنده تر شدند. تصویر شماره ۸ این روش جدید را نشان میدهد. نه تنها خود نقاشی، تقلیدی از سبک نقاشی اروپائی است بلکه لباس مرد و زن با کمرهای تنگ و دامنهای کوتاه و گشاد نیز تقلیدی از لباس غربیها است. یقه باز و کمر تنگ لباس شاهزاده خانمی را نشان میدهد که لباسهای بلند و آزاد سابق که همه بدن را میپوشاند تغییر کرده است. شاردن متوجه بعضی تغییرات در لباسهای ایرانیان شده بود ولی او نمیتوانست حدس بزند که لباسهایی که آنقدر مورد توجه او بودند در آتیه تاجه حد تحت تأثیر مد اروپائی قرار خواهند گرفت و تغییر خواهند کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر شماره ۱- بهزاد در باغ جنید ، ( ۷۹۹ . ه ) ( ۱۳۹۶ م ) ، ۲۴ × ۳۳ سانتیمتر ، بریتیش موزیوم . لباسهای تیمور لنگ که شاردن در قرن هفدهم دیده بود از مدتها پیش از بین رفته‌اند .



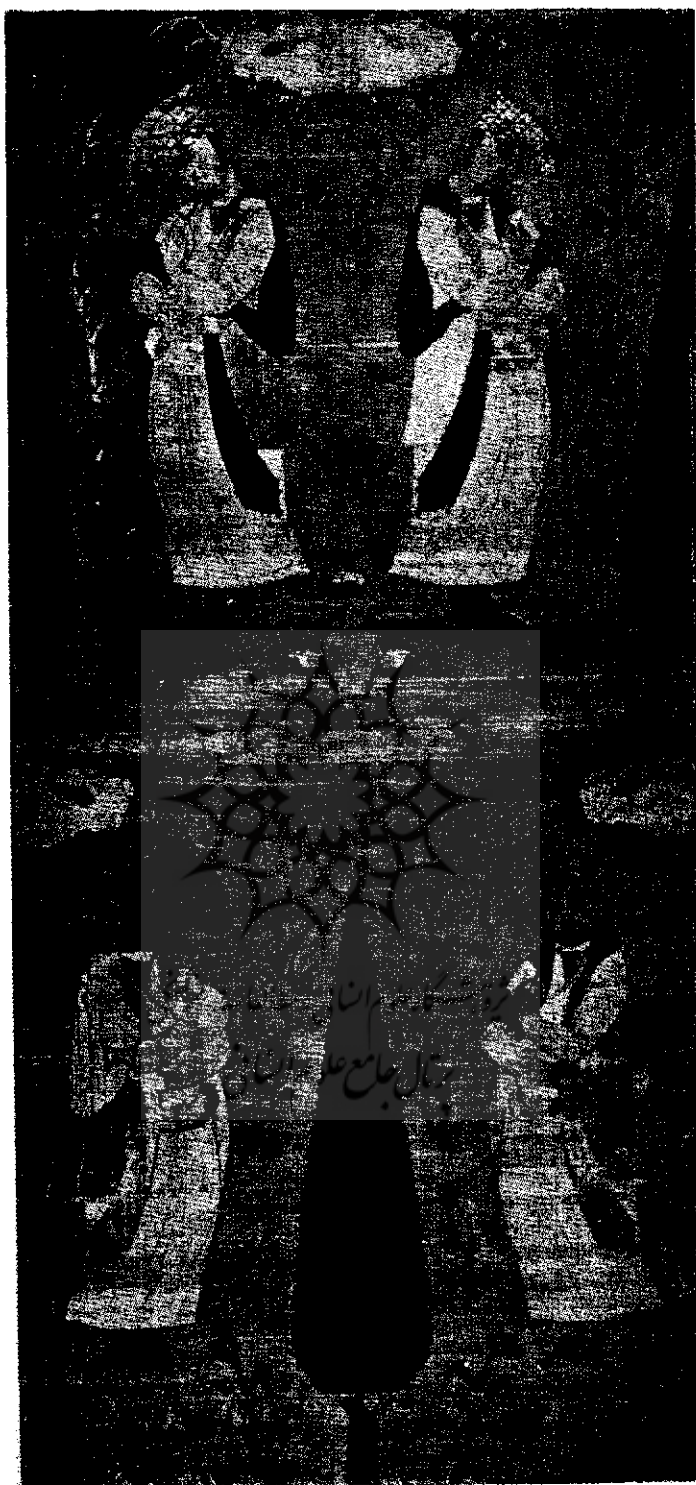
تصویر شماره ۲- خسرو شیرین به داستان ندیمه شیرین گوش می‌دهند ، توسط میرک ، (۹۴۶-۵۰ هـ . ۴۳ - ۱۵۳۹ م) بریتیش موزیوم ، از زمان تیمور تا سفر شاردن به ایران در قرن هفدهم فقط بعضی تغییرات جزئی در لباس ایرانیان ظاهر گشت .



تصویر شماره ۳ - گردش بانوان (۹۸۳ . م) (۱۵۷۵ . م) ، ۱۶ × ۲۶ سانتیمتر، کتابخانه بدلی‌ین در آکسفورد، جامه زنان و مردان عبارت‌بود از یک پیراهن بلند با آستین‌های بلند که جلوی سینه آن باز بود .



تصویر شماره ۴- یک زن ایرانی از کتاب «سفرنامه هربرت»، (۱۰۴۴ . هـ)  
(۱۶۳۴ . م) صفحه ۱۴۶ ، ۲۶ × ۳۹ سانتیمتر ، کتابخانه ایندیادفیس .  
زنان ایرانی خارج از خانه اغلب بعلاوه چادر بوسنیله یک روپنده صورت  
خود را مخفی میکردند .



تصویر شماره ۵۰ - پارچه مخمل ، ( ۱۰۰۹ - هـ ) ( ۱۶۰۰ م ) ، ۱۸ × ۱۰۶ سانتیمتر ، بلندی هر یک از تصویرها ۵۰ سانتیمتر است ، دوزه آلبرت و ویکتوریا ، این پارچه نمونه علاقه ایرانیان برنگ و طرح زیباست .



تصویر شماره ۶- منظره عاشقانه از محمد یوسف الحسینی ، (۱۰۴۰ هـ . ۱۶۳۰ م) ، ۱۶ × ۲۴

این تصویر که در کتابخانه و موزه ملی ایران نگهداری می‌شود، از مجموعه آثار استاد محمد یوسف الحسینی است.





تصویر شماره ۷- زیبایی در حال استراحت ، ( ۱۰۰۰ هـ . ۱۶۴۰ م ) ، ۱۴ × ۲۴ سانتیمتر .  
 برینیش موزیوم ، پس از اینکه دربار شاه عباس در اصفهان مستقر شد نقاشان بیشتر به پیکرهای  
 نك توجه کردند .



تصویر شماره ۸ - شاهزاده و شاهزاده خانم ، توسط علیقلی جبه‌دار ، (اواخر سده ۱۲ هجری)  
(اواخر قرن هفدهم) ، ۱۳ × ۲۳ سانتیمتر بریتیش موزیوم ، درسبک این نقاشی و لباس شاهزاده خانم